

با هر مدیری که بخواهد بستر حضور بانسوان در ورزشگاه را با بهانه های مختلف فراهم کند برخورد می کنیم.



ملال جنسیتی اختلالی که باید از توهم آن یا همجنسگرایی تمایز داده شود



انجمن های علمی در دامن بی مهری فرهنگی

سرمقاله

سارا معصومی

از سال ۱۳۹۴ با تاسیس انجمن های علمی در معاونت فرهنگی و دانشجویی، سوالات متعددی در اذهان فعالین دانشجویی مطرح شد. در رأس همه ی سوالات لزوم وابستگی یک نهاد علمی به معاونت فرهنگی بیداد می کرد. قاعدتا انتظار می رفت که این نهاد دانشجویی زیر مجموعه ی معاونت آموزشی یا پژوهشی باشد. از این رو فعالین این نهاد دچار یک سردرگمی، سکون و انفعال شدند. عدم همکاری معاونت های آموزشی و پژوهشی نیز به وخامت وضع انجمن ها دامن می زد. از طرف دیگر معاونت فرهنگی، سیاست مشخصی برای حمایت از انجمن های علمی و پیشبرد فعالیت های آنان اتخاذ نکرده بود؛ گویی انجمن های علمی سربار معاونت فرهنگی و دانشجویی اند!

پس از گذشت مدتی خیر معاونت فرهنگی از گل درآمد و با برگزاری اولین مجمع کشوری انجمن های علمی به آنها سروسامان داد. طی این نشست نواقص خارج از شمارش آیین نامه، بررسی و اصلاح شد. اکنون بیش از ۸ ماه از نشست مذکور می گذرد و آیین نامه ی اصلاح شده، هنوز در انتظار تصویب است! برنامه ریزی برای تشکیل انجمن های ملی و بهبود همکاری معاونت ها با انجمن های علمی از دیگر دستاوردهای نشست مذکور بود که به آنها می پردازیم.



انجمن های

انجمن های علمی



آزمون و خطای انجمن های کشوری

انجمن های علمی کشوری، در شرایطی تاسیس شدند که تنها کورسوی امید به بقای انجمن های علمی بودند. قریب به دوماه از تشکیل انجمن های علمی می گذرد. این اتفاق اگرچه می تواند نوید پیشرفت تنها نهاد علمی معاونت فرهنگی باشد اما مقدمه بروز مشکلات بیشتر برای این نهاد در سطوح فرا دانشگاهی نیز است. چنانچه در بدو شکل گیری شان بی قانونی هایی دیده شد. انتظار اینست که طی این مدت شالوده فعالیت های ملی انجمن های کشوری ریخته شده باشد؛ ولی عدم تصویب اساسنامه خلاف انتظار را نشان میدهد. گویی انجمن های کشوری تنها در اسم تشکیل شده اند و از منظر حقوقی رسمیتی ندارند. وقتی معاونت محترمه ی فرهنگی، ساختار و نظم درونی را بدرستی سامان ندهد، ریزش ساختار بیرونی طبیعیت است.

چنانچه می بینیم، برخی ها با پرداختن به حواشی از هدف اصلی دور شده اند، بطوریکه مدام در حال انتخاب القاب و القای تصور منصب نشینی اند. با عینک این دوستان، انجمن ها کم از کابینه دولت نیستند. چه بسا با عناوین دیرکل انجمن، خود را وارث تمام معنای انجمن های علمی می دانند. ریشه ی این غلط انگاری در چیست؟

از طرف دیگر، شاهد سیاستگذاری های اشتباه برخی انجمن های کشوری هستیم. گویا دست های پشت پرده در تلاشند تا جرقه ی شعله ور نشده انجمن کشوری را در دل بخوابانند. با تیشه ی تدبیر ریشه ی اتحاد انجمن را نشانه گرفته اند. به بهانه ی بکارگیری نیروهای توانمند و تخصصی رشته، انجمن های دانشگاهی

مسئولین می کنند. یکی از این کارها برگزاری بی مقدمه و اساس دومین نشست کشوری انجمن های علمی بود. نشستی که هنگامه ی برگزاری آن مصادف با سیزدهمین دوره المپیاد ورزشی در تبریز شده بود. قریب به نیمی از فعالین انجمن های علمی به سبب شرکت در المپیاد از حضور در نشست بی بهره ماندند. سوال اینجاست که آیا تقویم فرهنگی انعطاف تغییر تاریخ نشست را نداشت یا مسئولین مربوطه حال تغییر تاریخ نشست را نداشتند! نظر بنده اینست که مسئولین از اهالی شیراز بودند که کنداکتور برنامه را هم به موازات اجرای برنامه بستند!

نشست مذکور با هدف تشکیل انجمن های علمی ملی برگزار شد اما بی حساب و کتاب! این که می گویم بی حساب و کتاب به جهت مشاهده تخلفات در روند انتخابات انجمن هاست. چنانچه اعلام دعوت به کاندیداتوری، بررسی صلاحیت کاندیدها، تعیین زمان تبلیغات آنها، بررسی افراد دارای حق رای و چه و چه انجام نشد. به قدری ساده و بی تدبیر انتخابات ملی را برگزار کردند که خاطره ی انتخابات نماینده کلاس دبستان برایم تداعی شد. ممکن است اغراق آمیز به نظر برسد اما واقعیتی است که دیده شد. پیش از انتخابات هیچ گونه فراخوانی برای کاندیداتوری اعلام نشد؛ همانطور که در بررسی صلاحیت کاندیدها و تعیین زمان تبلیغات آنها نیز بی مبالاتی صورت گرفت. درواقع اعتماد به افراد در بالاترین سطح ادعا قرار داشت. عامل برتری رزومه ی کاندیدها، ذهن خلاق در پرورش ایده بود. بی هیچ پیش شرطی همه افراد قادر به حضور در سالن انتخابات بودند. برخی افراد که فاقد حق رای بودند در انتخابات حضور داشتند. برخی دارای حق رای که حضور نداشتند، نماینده ی فاقد

را از سطح فعالیت های ملی کنار می زنند. فارغ از این که علت اصلی، برخورد سلیقگی با افکار و رفتار افراد زیر مجموعه است. این کار نه تنها از منظر قانون بلکه از منظر اخلاق پیگرد دارد. چرا که فعالین دانشجویی بی هیچ چشم داشت مالی و معنوی وقت خود را تمام و کمال صرف گره گشایی از مشکلات اجتماعی کرده اند. روا نیست که نیروهای مستعد و پاکار را منزوی کنیم. اساسا انجمن های کشوری بایستی با استفاده از پتانسیل های انجمن های دانشگاهی تامین نیرو شوند. تدبیر پیش روی این افراد با رسالت انجمن های کشوری در تضاد است. هدف از اینگونه تدابیر نابخردانه چیست؟ جز اینست که خواسته یا ناخواسته بنای بیرونی انجمن کشوری تخریب می شود؟ مجری نظارت بر این گونه سیاست ها در کدامین نهاد چرت می زند؟ اصلا شورایی برای نظارت تشکیل شده است؟؟؟

انجمن های کشوری را به بهانه نوپا بودن به حال آزمون و خطا رها کرده اید. آزمون و خطاهایی که بعضا تجربه شده و نتایجشان قابل پیش بینیست! وقت آن نیست مجموعه فرهنگی معاونت بهداشت، مرجعی برای نظارت بر انجمن های کشوری برقرار کند تا روند فعالیت آنان در چارچوب قانون رصد شود؟ شاید این مطالبه هم باید در کنار هزار ملزومات دیگر انجمن های کشوری بدست گذر زمان سپرده شود!

دهان دانشجو را ببندید!

گاهی اوقات وزارتخانه ی محترم دست به کارهایی می زند که گویی هدف، تنها بستن دهان مطالبه گر دانشجویست. فارغ از این که بدین گونه دهان را معطر به فیض رساندن به

علمی در دامان بی مهری فرهنگی

با منتقل شدن به زیر مجموعه معاونت فرهنگی وزارت بهداشت در دانشگاه های تابعه، دچار سردرگمی شده اند

تا کنون علت دقیق این انتقال مشخص نگردیده است!

حق رای را بجای خود فرستاده بودند. تعرفه هایی که هجای خالی داشت با نام ۷ نفر پرشد و بدین ترتیب بود که فرد دارای بالاترین رای، آرای به تعداد بیش از افراد حاضر در انتخابات را به خود اختصاص داد!

از معاونت فرهنگی وزارت بهداشت که تجربه ی برگزاری انتخابات قانونمند نهاد هایی همچون اهالی نشریات را بخود دیده، بعید بود که چنین انتخاباتی را برای انجمن های علمی برگزار کند. شاید هم انتظار بنده بیجاست که میزان توجه به همه ی نهاد های دانشجویی را به یک اندازه لازم می بینم. البته با استناد به حرف جناب قاضی زاده هاشمی، این احتمال را هم نباید نادیده گرفت که برگزاری نشست قفط باهدف سرگرم کردن دانشجویان بوده و دغدغه های آنان برای ایجاد یک ساختار قانونمند به هیچ حساب شده است. یادآوردن عرایض وزیر محترمه در نشست کشوری دوم، دقیقاً مصداق تیتراست.

پای حرف مسئولین بنشینید!

به نظر بنده که قریب به ۲ سال است معاونت فرهنگی را طی الارض می کنم، بهتر است پای حرف مسئولین بنشینید تا پای عملشان! پای عمل چیزی کاسب نمی شوید؛ اما پای حرفشان بنشینید جای بیسکویت میل می کنید همراه با شعار های صد من یه غاز! ممکن است شعارها به مزاقتان خوش نیاید اما چای با بیسکویت را حتما می پسندید.

پس از آمد و شدهای بسیاری که برای تشکیل جلسه شورای ناظر بر انجمن های علمی داشتیم. در اولین جلسه ناچاراً پای حرف مسئولین نشستیم. بی دعوت و بی اطلاع از دستور جلسه،

گویی مهمانان ناخوانده ی گپ مسئولین شدیم. در صورتیکه مسئولین بزرگوار مجهز به تانک و توپ برای تاخت و تاز به دانشجوی بینوا آماده بودند. با بی انصافی تمام، فعالین انجمن های علمی را با خاک یکسان کردند. در واقع هریک از مسئولین حامی نهاد دانشجویی زیر مجموعه ی خود بود. اینجا بود که انجمن چشم به دست سخاوتمند

معاونت فرهنگی داشت؛ در حالیکه معاونت، انجمن را با کانون جمع می بست! انجمنی که از اساس و ساختار متفاوت با کانون های فرهنگیست. در جلسه دم از همکاری و حمایت از انجمن ها زده شد؛ اما در عمل

برادری تان را ثابت کردید.

در آن جلسه ما شنونده بودیم. اما اکنون شما از بویض صدای ما را بشنوید. مسئولین محترم وقت آن نرسیده که از لاک جزیره ای کار کردن بیرون بیایید؟ انجمن های علمی نیاز به همکاری پای عمل دارند نه پای حرف! کمتر نهاد دانشجویی را می توان یافت که همچون انجمن های علمی، زیر مجموعه ی یک معاونت باشد و خیرش به سایر معاونت ها هم برسد. مسئولین وزارتی بی مهری به انجمن ها را به حد اعلای رسانده اند (یادآوری: آیین نامه اصلاح شده ی انجمن ها در انتظار تصویب، ۸ ماهه شد). بهتر نیست مسئولین دانشگاهی پیاز

داغ این آش بی مهری نشوند؟ در کنار دغدغه های سیستم پایش فرهنگی،

نظری هم به دغدغه های انجمن های علمی بندازید. ۱۰ درصد سهم انجمن های علمی از بودجه فرهنگی کجا تزیق می شود؟ شورای فرهنگی دانشگاه از کانون های فرهنگی نماینده دارد اما از انجمن های علمی چطور! از میان حدود ۲۰ کانون فعال فرهنگی تنها یک نماینده کشوری از ع. پ. جهرم داریم؛ این درحالیست که از میان ۵ انجمن علمی ۲ نماینده در شورای مرکزی انجمن های کشوری داریم! کمترین حق برای انجمن های علمی

در برگزاری منظم جلسات شورای ناظر را هم قائل نمی شوید؟! (البته مقصود جلسات قانونمند است نه دورهمی و عکس یادگاری!) پس بگوئید تا کی پای حرف مسئولین بنشینیم؟!

انجمنی که موهایش در انتظار بیداری

مسئولین پیرشند.

انجمن های علمی، مظلومترین نهاد فرهنگی

هستند که در سطوح دانشگاهی و وزارتی

مورد بی مهری قرار گرفته اند.

یادآوردن عرایض وزیر محترمه

در نشست کشوری دوم، دقیقاً مصداق

تیتراست: « بر نامه را برگزار کنید و

دهان دانشجویان را ببندید»

“

”

خلاً حضور ذی نفعان واقعی در شورای فرهنگی

دانشجویان تنها در حضور یا عدم حضور یک عضو می توانند تأثیر بگذارند

حق رأی جهت مشاوره و اظهار نظر به جلسات دعوت کند، اما جای این سؤال باقیست که دبیر شورای فرهنگی چرا این حداقل از ارزش را برای فعالین فرهنگی قائل نیست که در دعوت ها صورت گرفته عدالت، نمایندگی مستقیم دانشجویان و مصلحت عمومی دانشجویان را مدنظر قرار دهد؟! و چرا دبیر شورای فرهنگی راه ابراز نظر های دانشجویان در

مسائل مختلف فرهنگی را به صورت مستقیم هموار نمی کند؟! با روند

فعلی و بر اساس دستور العمل اجرایی شورای فرهنگی دانشگاه های بهداشت این شورا با بیش از ۱۰ عضو می تواند تشکیل جلسه بدهد که تنها یک عضو آن به صورت منطقی دانشجویان می توانند در انتخاب آن نقش داشته باشند.

انتظار می رود دبیر شورای فرهنگی با هماهنگی ریاست

شورا به نحو بهتری از حضور و نظرات دانشجویان به صورت عادلانه استفاده بپردازد. اقشار گوناگون هر چه در تصمیم گیری برنامه های گوناگون نقش مؤثر تری داشته باشند طبیعتاً همکاری آنان در اجرای آن تصمیمات نیز بیشتر خواهد بود.

مجاز برگزاری جشن های دانشجویی مختلف را این شورا صادر می نماید.

- و ...

همه این وظایف به خوبی نشان می دهد که عمده ترین مخاطبان تصمیم های شورای فرهنگی دانشجویان هستند. اما به دو دلیل این شورا در دانشگاه علوم پزشکی جهرم از کارایی لازم برخوردار نیست، اولین دلیل به ضعف آیین نامه باز می گردد که مطابق آن بیشتر اعضای این شورا را کارمندان دانشگاه تشکیل می دهند. دومین دلیل

ضعف آن است که دانشجویانی که در جلسات شورای فرهنگی حاضر می شوند (با حق رأی یا بدون آن) نمی توانند به خوبی خواست دانشجویان را نمایندگی کنند.

برای مثال اخیراً شنیده ها حاکی از آن است که شخصی به نمایندگی از کانون های فرهنگی در جلسات حاضر می

شود که نه با انتخاب دیگر دبیران برگزیده شده است و نه حتی دبیر بزرگترین و فعال ترین کانون است! برخی دبیران کانون ها از برگزاری هرگونه انتخابات برای این مسئله اظهار بی اطلاعی می کنند، و شخص نامبرده دبیر کانون قرآن و عترت، بزرگترین و فعالترین کانون دانشگاه، نیز نیست.

همه این ها در حالی است که همچنان نمایندگان مدیران مسئول نشریات و نماینده انجمن های علمی از حضور در این جلسات محروم هستند. هر چند این شورا می تواند افرادی را بدون

دانشگاه ها در سراسر دنیا نهاد های قدرتمندی متشکل از سه ضلع آموزش - فرهنگ - نوآوری هستند. دانشگاه علوم پزشکی جهرم در هر یک از این اضلاع ضعف ها و قوت هایی دارد که البته ضعف های آن مشخصاً بر نقاط قوت پیشی دارند. در حیطه آموزش نظم برنامه های آموزشی و اهمیت اساتید به مسئله آموزش گویا ترین توصیف وضعیت آموزش می باشد. در حیطه پژوهش و فناوری و نوآوری نیز خیل عظیم پروپوزال هایی که تصویب و تأیید می گردند و در سال هزینه های میلیاردی بر روی دست دانشگاه می گذارد وقتی خروجی را حاصل ننماید گویای حال و روز خود است. ضلع پژوهش و نوآوری پاشنه آشیل دانشگاه شده است که حتی مراجعه کنندگان به آن نیز صرفاً امتیاز ها و منافع شخصی را مدنظر قرار می دهند و آن را در سراسیمی پیش رو بیش از پیش هل می دهند.

وضعیت فرهنگی دانشگاه باز تا حدی با دو ضلع دیگر تفاوت دارد و از اندک پویایی و حرکت رو به رشد مثبتی برخوردار است. اما این حرکت با هر تصمیم نابجا مورد تهدید قرار می گیرد. شورای فرهنگی عالی ترین نهاد تصمیم ساز و سیاست گذار فرهنگی هر دانشگاه است.

شاید برسید در دانشگاه علوم پزشکی جهرم این شورا چه کار هایی انجام می دهد؟ در پاسخ می بینید که:

- این شورا در برگزاری یا عدم برگزاری جشن های فارغ التحصیلی مطابق میل دانشجویان تصمیم گیرنده است.

- این شورا مرجع تجدید نظر در دعاوی مرتبط با نشریات است.

- این شورا در خصوص صدور مجوز کانون ها وظیفه مستقیم دارد. در حالی که در دانشگاه علوم پزشکی جهرم با بیش از ۱۵ کانون هنوز کانون های مؤثر و پرطرفدار را راه اندازی نکرده است.

روابط عمومی در انحصار

همزمان با برگزاری برنامه کوهنوردی دانشجویان، برنامه‌ی مشابه برای کارکنان نیز برگزار گردید.



تربیت بدنی کارکنان

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی جهرم



فرهنگی - دانشجویی چند ماهی بیشتر از آغاز به فعالیت شان در این سمت نمی گذرد به نظر می رسد همسویی و همراهی در این خصوص با رویکرد های نوین معاونت از سوی رسانه های جمعی دانشگاه دیده نمی شود.

از همین رو انتظار می رود روابط عمومی دانشگاه به پوشش بهتر فعالیت های فرهنگی - دانشجویی همت مضاعف گمارد. این اتفاق مثبت تأثیرات دو طرفه یی بر دانشگاه و عموم مردم خواهد گذاشت.

دانشجویان و یکی مخصوص کارکنان بود. اما بازتاب این اتفاق در خروجی های رسانه یی مرتبط با دانشگاه بسیار متفاوت بود.

روابط عمومی دانشگاه تنها به پوشش برنامه کارکنان بسنده نمود و هیچ واکنشی نسبت به برنامه دانشجویی از خود بروز نداد.

این در حالی است که برنامه های فرهنگی دانشگاه وقتی می تواند به موفقیت دست یابد که از سویی مشارکت دانشجویان در تصمیم گیری و اجرا را جلب نماید؛ از سویی دیگر موفقیت اینگونه برنامه ها در گرو اطلاع رسانی های مناسب به عموم جامعه است.

خصوصاً در شرایط فعلی که معاونت محترم

گزارش عملکرد و اطلاع رسانی از اتفاقات و رویداد هایی که می تواند پیام امید و شادی اجتماعی را با خود به همراه داشته باشد، از مهم ترین وظایف روابط عمومی دانشگاه های علوم پزشکی می باشد.

با انگیزه ترین قشر دانشگاه، دانشجویان هستند که در عین حال اکثریت جامعه دانشگاهی را تشکیل می دهند. این در حالی است که رویکرد روابط عمومی دانشگاه در پوشش اتفاقات مثبت مرتبط با فعالیت های دانشجویی رویکرد تحریمی است.

برای نمونه جمعه یی که گذشت دانشگاه شاهد برگزاری تو برنامه کوهنوردی یکی مخصوص



نشانه شکست در بازتولید ایدئولوژی

هفته‌ی گذشته بازی دوستانه‌ی ایران و بولیوی در حالی در استادیوم آزادی برگزار شد که برای نخستین بار تعدادی از زنان توانستند در ورزشگاه حضور یابند.

هرچند که زنان حاضر در استادیوم، تمامی آنهایی نبودند که طی این سال‌ها تلاش کردند تا درهای استادیوم‌های ورزشی به روی زنان باز شود و طبق بخشنامه زنان خاص که شامل «خانواده بازیکنان تیم ملی فوتبال، همه تیم‌های ملی بانوان فوتبال و فوتسال، کارمندان زن فدراسیون فوتبال و البته تعدادی همیار هوادار زن» می‌شدند، امکان حضور در آزادی را پیدا کردند، اما همین امکان کم و تغییر جزئی نیز مورد استقبال بسیاری از فعالان مدنی قرار گرفت و آن را هرچند اندک اما گامی به جلو برای بازشدن درهای آزادی به روی زنان قلمداد کردند.

اما در سوی دیگر میدان، بعضی از مسئولان که تا به حال با این اقدام موافق نبوده و هرآنچه در توان داشتند برای سنگ‌اندازی‌ها به کار بردند، ناچار به تهدید روی آورده‌اند. در همین فضا، دادستان کل کشور، جعفر منتظری تهدیداتی کرد که اظهاراتش سوژه‌ی طنز در فضای مجازی نیز شد. دادستان کل کشور با نیمه برهنه خواندن فوتبالیست‌ها، حضور زنان در استادیوم و تماشای فوتبال را گناه دانست.

اما نکته مهم‌تر آنجا بود که او تهدید کرد اگر مسوولان بخواهند به این رویه ادامه دهند، قطعاً با آنها برخورد قضایی صورت می‌گیرد، اظهاراتی که از منظر حقوقی مورد نقد شدید قرار دارد.

فارغ از تمام بحث‌های حاشیه‌ای پیرامون این مساله و مخالفت نماینده ولی فقیه در سپاه با حضور زنان در آزادی، نکته‌ای حائز اهمیت در این بین، تهدید شدن مکرر مسوولان اجرایی توسط مسوولان قضایی است، که کمتر به آن توجه شده است.

پیش از این نیز در هنگام تغییر شهردار تهران، زمانی که اعضای شورای شهر با استعفای محمدعلی نجفی مخالفت کردند دادستان کل کشور با اعتاب آنان را خطاب قرار داد و تهدیدشان کرد که نپذیرفتن این استعفا تبعاتی دارد. پس از آن نیز بارها از محسن هاشمی و اعضای شورای شهر شنیده شده است که آنان به خاطر اظهارات خود به قوه قضاییه احضار شده‌اند.

در واقع این تهدیدها علیه مسئولان و دستگاه‌های اجرایی و نه مردم، نشان‌دهنده شکست نظام در بازتولید ایدئولوژی خود و ناتوانی در اقلان کارگزاران و مدیران خویش

است، تا آنجا که مجبور به تهدید و خط و نشان کشیدن برای مدیرانی می‌شود که منتخب آنها نیستند و با رای مردم انتخاب می‌شوند.

هنگامی که کار به اینجا می‌رسد و در ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین امور، قدرت توجیه و اقتاع مدیران وجود ندارد و بعضی از «منویات» از طرق اداری نظیر؛ صدور بخشنامه و دستورالعمل، اجرایی نمی‌شود زنگ خطری به صدا در می‌آید که نشان‌گر بحران و فروپاشی در داخل سیستم شده

است و نه خارج از آن. و ای کاش آقای دادستان معنای مواضع اخیر خود را درک کند و بداند با این تهدیدها، که هیچ تاثیر بازدارنده‌ای در میان افکار عمومی ندارد، فقط ارکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌ساز در داخل سیستم را تضعیف می‌کند، حال باید پرسید آیا این نتیجه، مورد قبول آقای دادستان است یا خیر؟ / امتداد - ریحانه طباطبایی

نتیجه چنین رفتارهای بی‌منطقی چیزی جز آنچه معاون اول رئیس‌جمهور در خصوص اعتماد مردم به حرف‌های مسئولین ارشد نظام نیست. این قبیل رفتارها از آن جهت در اذهان مردم بی‌منطق قلمداد می‌شود که برای سالیان متوالی مسابقات گوناگون چون کشتی و شنا از صدا و سیمای ملی پخش گردیده است.

همچنین فتواهای برخی مراجع نیز در خصوص عدم حرمت حضور زنان در ورزشگاه به جهت تماشای بازی‌ها نیز مزید بر علت می‌باشد.

**جعفر منتظری
تهدیداتی کرد که
اظهاراتش سوژه‌ی
طنز در فضای مجازی
نیز شد.**



گذر سخت پروانگی

ملال جنسیتی اختلالی که باید از توهم آن یا همجنسگرایی تمایز داده شود

مواجهه با این اشخاص اولین و بهترین التیام روحی که می تواند درخور جایگاه کادر بهداشت و درمانی باشد، احترام گذاشتن به آنان همچون دیگر افراد معمولی یا دیگر بیمار هاست.

خوشبختانه در سال های اخیر حمایت هایی که از طرف دولت، نهاد های حقوقی و هنرمندان چون بهنوش بختیاری از ترنس ها شده است و حتی صحبت کردن راجب این موضوع در تلویزیون باعث شکستن این تابو شده است.

همه ما می دانیم حمایت از این افراد یعنی حمایت از انسانیت. درواقع این نیز نوعی درد کشیدن است که خود را در جنسیتی دیگر درک می کند، روحش را اسیر جسمی اشتباه بیاید.

البته این موضوع را نیز باید در نظر گرفت که افزایش چشمگیر این اختلال در بین جوانان، درواقع توهم ترنس بودن است که این موضوع باید به وسیله آزمایش هایی که در این مورد انجام می شود، اثبات شود. آمار بالای خودکشی در بین این تراجنسی ها نشان از این دارد که این افراد خیلی بیشتر از این ها به پشتیبانی های روحی و روانی نیاز دارند.

بینیم که واقعا وضعیت خوبی ندارند. آنها ابتدا از طرف خانواده خود طرد می شوند و آواره خیابان ها شده و انواع آسیب های اجتماعی را متحمل می شوند.

حتی با اینهمه فشار و با آگاهی از اینکه با این کار دیگر هیچ وقت قادر به بچه دار شدن نیستند، باز هم در تصمیم خود برای عمل تغییر جنسیت مصمم هستند و حاضر اند این قمار بزرگ را در زندگی شان انجام دهند تا شاید از این حال بد روحی رهایی یابند. بر اساس آمار های رسمی سازمان پزشکی قانونی کشور، از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ بیش از یک هزار و ۳۶۶ نفر مجوز عمل تغییر جنسیت را دریافت کرده

اند. که از میان آنها ۵۶ درصد می خواهند زن شوند و ۴۴ درصد قصد دارند با تغییر جنسیت مرد شوند.

در جامعه ما این مسئله با حجمه نگاه های سنگین از طرف مردم رو به روست و این قشر از جامعه را با همجنسگرایان اشتباه می گیرند.

مردم نمی توانند قبول کنند که این اختلال با انتخاب این افراد نبوده و از همان ابتدا این بیماری در آنها وجود داشته است. اعضای خانواده علوم پزشکی همانطور که وظیفه کمک به بیماران و درمان جسم آنها را بر عهده دارد، درمان وضعیت روحی افراد را نیز بر عهده دارد. خانواده علوم پزشکی باید درمان وضعیت روحی ترنس ها را نیز وظیفه خود بدانند؛ چرا که تجربه زندگی در جامعه ای که با بی رحمی با آنها برخورد کرده است روح آنان را نیز به سختی آزرده است. با توجه به امکان

«آنجا بهشت بود، فضا، لحظه و همه چیز برای من بهشت بود. در راهرو بودم و می شنیدم که امام خمینی از اطرافیان خود عصبانی هستند و فریاد می زنند که چرا با کسی که به ما پناه آورده اینگونه برخورد می کنید و باعث آزار این فرد شده اید، امام خمینی می گفتند: این هم بنده خداست».

این بخشی از خاطرات مریم خاتون پور ملک است که با مراجعه به جماران و در دیدار با حضرت امام (ره) موفق به اخذ فتوای تاریخی تغییر جنسیت از ایشان شد. او بعد ها انجمنی تحت عنوان انجمن حمایت از ترنسکشوال ها تاسیس کرد.

ترنسکشوال ها مجرم نیستند، آنها بیمارند. بیماری ای که از زمان تولد با آنها بوده است و اگر درمان نشود تا آخر عمر با آنها خواهد بود. ترنس ها کسانی هستند که جسم مردانه دارند اما هویت و روح زنانه و بالعکس. همانطور که حضرت امام (ره) فرمودند: «جسم را می شود تغییر داد اما روح را نه.» به همین دلیل هم بود که فتوای تاریخی تغییر جنسیت را در دهه ۶۰ صادر کردند.

اختلال هویت جنسی عبارتی است که به طور رسمی از طرف مقامات دولتی، قضایی و پزشکی برای اشاره به ترنس ها در ایران به کار می رود؛ اما بسیاری از ترنس ها عبارت ملال جنسیتی را ترجیح می دهند. ترنس ها به دلیل اختلال در ترشح هورمون های تنظیم کننده بدن شان بیشتر تمایل دارند با هویت جنس مخالف شان شناخته شوند و این تضاد را بیشتر زمانی متوجه می شوند که وارد مدرسه شوند و خودشان را در اجتماعی می یابند که هیچ نقطه اشتراکی با آنها ندارند.

اگر اندکی بیشتر راجب آنها تحقیق کنیم می

“

ترنسکشوال ها مجرم نیستند، آنها بیمارند. ترنس ها عبارت ملال جنسیتی را ترجیح می دهند. همه ما می دانیم حمایت از این افراد یعنی حمایت از انسانیت.

”

« نشریه پویش »

نشریه مستقل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی
دانشگاه علوم پزشکی جهرم

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: عارف گلستان جهرمی

دبیر عکس: زهرا علیپور

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

زهرا علیپور، محمد فلاحی، نجمه ظهوری، عارف گلستان، حسین معصومی،
سارا معصومی و فاطمه نیک سرشت

می‌توانید پویش را در تلگرام و اینستاگرام با آدرس [@Pouyesh_J](https://www.pouyesh.com) دنبال کنید.



حجت الاسلام و المسلمین مدیر:

به اندازه رود کارون در شبانه روز چاه های جهرم، آب برداشت می کنند

می‌کنید که بیشترین برداشت غیرمجاز را دارند؟ سوال این است که آیا فقط نداشتن پروانه چاه جرم است یا آنهایی که برداشت‌های بیشتر از پروانه‌شان را هم دارند هم شامل می‌شود؟ آیا آن کسانی که آمدند پروانه چاه گرفتند برای مرغداری و یک خشت هم برای مرغداری نگذاشتند و چند هکتار باغ درست کردند، این هم غیرمجاز است دیگر؟ آیا برای این هم برنامه دارید یا خیر؟ پر کردن چاه اولین راه حل نیست آیا واقعا همه مراحل طی شده است؟ آیا عبور و مرور دستگاه‌ها و ماشین آلات حفاری کنترل شده است؟

آیا نصب کنتور هوشمند عمومیت پیدا کرده است؟ بر روی همه چاهها کنتور هوشمند بگذارید و اجازه ندهید بیشتر از حد مجاز از چاه برداشت شود. خیلی از کارها می‌شود برای رفع این مشکل انجام داد. تا انشاءالله شهرستان به کویر تبدیل نشود و می‌توان کاری کرد با کمترین مشکل و تبعات به خواسته و هدف که حفاظت از منابع آب های زیرزمینی است رسید. دفتر خبر صداوسیما جهرم

مقدار چاه غیر مجاز است که قرار است ۵۰۰ عددش پر شود؟

من چند سوال دارم که این را از علامه طباطبایی فرا گرفته‌ام که درخواستشان را به صورت سوال مطرح می‌کردند.

ضمن تشکر از مسئولین عزیز که احساس

مسئولیت می‌کنند

آیا این فصل

و این زمان با

وضعیت سیاسی

اجتماعی فعلی آیا

وقت مناسبی است

برای مسدود کردن

چاه‌ها؟

یک عده

اشتباه کردند که

چاه‌های غیرمجاز

را حفر کردند و مسئولان هم اشتباه کردند که چاه‌های

غیرمجاز حفر شده است.

ظاهرا بیش از دو هزار چاه غیرمجاز در شهرستان

داریم که لازم است کشاورزان را جمع کنید و با مشورت و

نظرخواهی بتوانیم مشکل را حل کنیم. یا از چاه‌هایی شروع

حجت الاسلام و المسلمین مدیر امام جمعه جهرم در

خطبه‌های نماز جمعه:

مهمترین مسئله بحران آب در شهرستان است. طبق آمار حدود ۹۰۰ میلیون متر مکعب سالانه از منابع آب‌های زیرزمینی شهرستان برداشت می‌شود که این عدد را ممکن است بعضی‌ها متوجه نشوند.

اگر می‌خواهید بدانید چه مقدار آب از زمین زیر پای شما خارج میشود گفته شده به اندازه رود کارون که بزرگترین رودخانه کشور است شبانه‌روز از منابع آب‌های زیرزمینی جهرم برداشت می‌شود.

آخرین چاهی که حفر شده عمق به ۵۱۲ متر رسیده و امکان کف شکنی دیگر در بعضی از چاه‌های شهرستان وجود ندارد. در یک کلام خیلی از ما حواس مان نیست که دارد شهرمان خشک می‌شود و تبدیل به کویر می‌شویم.

ضمن تشکر از مسئولان برای انتقال آب سد سلمان به جهرم، آیا این منبع قابل اعتمادی است اگر چند سالی باران نیاید و سد خشک شود و چاه‌ها نیز خشک شود چه خواهد شد؟

شنیدم از وزارت نیرو دستورالعملی برای مسئولان شهر آمده که چاه‌های غیرمجاز را پر کنند و تصمیم گرفته شده که تا آخر سال ۵۰۰ چاه غیرمجاز پر شود. خوب این چه

مهمترین مسئله بحران آب در شهرستان است. ظاهرا بیش از دو هزار چاه غیرمجاز در شهرستان داریم که لازم است کشاورزان را جمع کنید تا با مشورت و نظرخواهی بتوانید مشکل را حل کنید.